



آیت‌الله‌العظمی سید روح‌الله الموسوی الخمینی (س)، روز ۲۰ جمادی‌الثانی سال ۱۳۲۰ ه. ق/ ۱۲۷۹ ه. ش مصادف با سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا(س) در شهرستان خمین دیده به جهان گشود. پدرش آیت‌الله سیدمصطفی موسوی خمینی، تحصیلات خود را در نجف اشرف در زمان میرزای شیرای دنبله کرده و از مجتهدین زمان خویش بود که پس از بازگشت از نجف به عنوان پیشوای مذهبی مردم خمین و حومه مورد قبول همگان بود. مادر امام‌خمینی(س) بانو هاجر احمدی، از زنان متدین و پاکدامن آن دیار بود. سید روح‌الله پنج ماهه بود که پدرش در ماجرای درگیری مردم منطقه بلاشیراز و راهزنان، توسط گروهی از آنان در راه شهرستان خمین به اراک مورد حمله قرار گرفت و بر اثر برخورد چند گلوله به کتف و کمر در سن ۴۷ سالگی به قتل رسید.

امام‌خمینی تحصیلات ابتدایی را در خمین آغاز کرد. او نزد معلمی به نام «میرزا محمود» نوشتن و خواندن را در خانه آموخت و برای آموزش قرآن و ادبیات فارسی نزد «ملا ابوالقاسم» به مکتب‌خانه رفت و نزد «آقاحمزه محلاتی» که استاد خط بود به فراگیری خطوط مختلف پرداخت. قبل از پانزده سالگی، تحصیلات اولیه را به پایان رساند و مقدمات علوم اسلامی را نزد «آقا مهدی داعی» آغاز کرد و منطق را نیز نزد «آقا نجفی» (شوهر خواهرش) خواند و «مطول» و «سیوطی» را نیز در محضر برادرش آیت‌الله پسندیده آغاز کرد. در سال ۱۲۹۹ ه. ش عازم اراک شد و در حوزه علمیه این شهر که زیر نظر آیت‌الله سید عبدالکریم حائری اداره می‌شد به کسب علم مشغول شد. در آنجا «مطول» و «منطق» را نزد «شیخ محمد علی بروجردی» و «حاج محمد گلپایگانی» ادامه داد و «شرح لمعه» را نزد «آقا عباس اراکی» آغاز کرد. امام‌خمینی در سال ۱۳۰۰ ه. ش به قم رفت و در مدرسه «دارالشفاء» اقامت کرد. در آنجا «مطول» را نزد «آقا میرزا محمد علی ادیب تهرانی» ادامه داد و مقداری از سطوح را نزد «حاج سید محمد تقی خوانساری» و بیشترش را نزد «آقا میرزا سید علی یثربی کاشانی» که هر دو از علمای برجسته و مشهور آن زمان بودند خواند و تا سال ۱۳۰۵ ه. ش موفق شد سطوح را به پایان رسانده و در محضر آیت‌الله حائری به درجه اجتهاد نائل گردد.

امام‌خمینی(س) پس از اخذ درجه اجتهاد، برخلاف رسم معمول زمان خود به نجف اشرف عزیمت نکرد و به تدریس علوم خارج فقه و اصول در حوزه علمیه قم مشغول شد. امام‌خمینی(س) در سال ۱۳۰۸ با دختر آیت‌الله ثقفی تهرانی از علمای شهر قم ازدواج کرد که حاصل این ازدواج دو پسر و سه دختر بود. آیت‌الله روح‌الله خمینی در فاصله‌ی بین سالهای ۱۳۰۸ تا ۱۳۱۵ شمسی به تدریس در حوزه علمیه و تألیف کتابهای علمی مشغول شد و حاصل آن تلاشها این بود که او در سال ۱۳۱۵ به چهره‌ای برجسته، مشهور و محبوب در میان مجتهدین زمان خود تبدیل شده بود. پس از فوت آیت‌الله حائری و آیت‌الله بروجردی به قم مهاجرت کردند. امام از جمله شاگردان برجسته در کلاسهای ایشان بود، و همزمان به تدریس فلسفه نیز می‌پرداخت. کلاسهای فلسفه ایشان از پرجمعیت‌ترین جلسات درس حوزه علمیه بود که تقریباً بیش از پانصد نفر در آن شرکت می‌کردند. پس از فوت آیت‌الله بروجردی در سال ۱۳۴۰ که مرجع مسلم وقت بود گروهی از علما و طلاب قم به دیدار امام آمدند و

از ایشان اجازه خواستند تا با هزینه شخصی خود فتوای ایشان را در قالب رساله عملیه چاپ کنند، امام بنا به اصرار ایشان اجازه داد.

فعالیت سیاسی امام خمینی به‌طور گسترده و علنی از سال ۱۳۴۱ ه.ش آغاز شد. هنگامی که اسدالله علم، نخست‌وزیر محمدرضا پهلوی لایحه انتخابات «انجمنهای ایالتی و ولایتی» را در هیأت‌دولت به تصویب رساند. بر طبق یکی از مفاد این لایحه شرط مسلمان بودن کاندیداها حذف گشت و سوگند به قرآن مجید در ابتدای خدمت نیز تبدیل به سوگند به کتاب آسمانی شد. پس از انتشار خبر، علمای قم تشکیل جلسه دادند و پس از بحث و گفتگو به این نتیجه رسیدند که تصویب این لایحه سرآغاز اقدام‌های دین‌ستیزانه دولت است و باید مقابل آن ایستادگی کرد.

پایداری امام و دیگر روحانیون بر مواضع خود و سیل اعتراضات مردم نسبت به این لایحه چنان شدید بود که نخست‌وزیر دو ماه پس از تصویب لایحه در آذرماه همان سال ناچار به بازپس‌گیری لایحه و اعلام علنی ابطال آن شد. تکرار اعمال دین‌ستیزانه و همچنین آخرین سخنرانی شاه باعث شد امام خمینی طی اطلاعیه‌ای نوروز سال ۱۳۴۲ را عزای عمومی اعلام کرده و به این وسیله توجه مردم را به اوضاع کشور جلب نماید. به دنبال این اقدام، شاه در یک عمل تلافی‌جویانه، گروهی از کماندوهای نظامی را در لباس مبدل به قم فرستاد تا یکی از مجالس عزاداری را که به مناسبت شهادت امام جعفر صادق (ع) برگزار شده بود برهم بزنند. در چهلم شهدای مدرسه فیضیه امام طی اطلاعیه‌ای به اعمال خشونت بار رژیم اعتراض کرده و همکاری حکومت ایران با رژیم اشغالگر قدس را مورد حمله قرار داد. با فرارسیدن ماه محرم دستگاه امنیتی محمد رضا پهلوی برای جلوگیری از فعالیتهای مذهبی ضد رژیم در این ماه تدابیر گسترده‌ای اتخاذ کرد. اما در بعدازظهر روز عاشورا مصادف با سیزدهم خرداد سال ۱۳۴۲ امام خمینی (س) طی یک سخنرانی کشتار طلاب مدرسه فیضیه را به عنوان جنایت رژیم محکوم نموده و با سیاستهای اسلام‌ستیزانه شاه و همکاری او با حکومت اشغالگر قدس به شدت حمله کرد. در نیمه شب ۱۵ خرداد مأموران ساواک مخفیانه به منزل امام ریختند. ایشان را دستگیر و روانه تهران کردند، امام را ابتدا به باشگاه افسران و از آنجا به پادگان قصر و سپس به پادگان عشرت آباد بردند.

ساواک امام را پس از دو ماه، از زندانهای نظامی به منزلی در منطقه داوودیه تهران منتقل ساخته و تحت نظر گرفت، این حبس ده ماه طول کشید تا با سقوط علم و روی کار آمدن حسنعلی منصور که سیاست رابطه بهتر با روحانیان را پیشه ساخته بود زمینه مساعدی برای آزادی امام فراهم شد. امام در ۱۸ فروردین سال ۱۳۴۳ به قم بازگشت و مورد استقبال شادمانه انبوه مردم و روحانیان قرار گرفت.

امام در روز چهارم آبان سخنرانی منتقدانه‌ای درباره‌ی مواضع خفت بار حکومت در مقابل آمریکا و نیز تصویب لایحه کاپیتولاسیون ایراد فرمودند که به همین دلیل در شب ۱۳ آبان ۱۳۴۳ منزل امام در قم توسط نیروهای نظامی محاصره شد، نظامیان امام را پس از دستگیری مستقیماً به فرودگاه تهران برده و بلافاصله به ترکیه تبعید کردند، تبعیدی که پانزده سال ادامه یافت. در پی تبعید امام موجی از اعتراض و اعتصاب کشور را فرا گرفت. امام خمینی در سال ۱۳۴۴ به همراه فرزندش آیت‌الله سیدمصطفی خمینی از ترکیه به عراق رفت، این امر مردم و مقلدین امام را شادمان ساخت. زیرا امکان برقراری ارتباط با ایشان بسیار بیشتر شده بود. اعلامیه‌ها، نوارهای سخنرانی و فتوای ایشان از طریق زائران ایرانی و علاقه‌مندان به ایران آورده می‌شد و از همین راه خمس و زکات و جوهرات شرعی مقلدان به دست ایشان می‌رسید. روز اول آبان سال ۱۳۵۶ آیت‌الله سید مصطفی خمینی فرزند بزرگ امام به طرز مرموزی جان سپرد، اگر چه علت مرگ او به درستی روشن نشد اما مردم معتقد بودند که رژیم

برای ضربه زدن به مخالف سرسخت و قدیمی خود فرزند او را به قتل رسانده است.

رژیم برای قطع ارتباط امام و مردم به حکومت بعث عراق فشار آورد و محدودیتهای شدید، محاصره منزل و ممنوع الملاقات کردن امام توسط رژیم بعث و سرانجام اخراج ایشان از عراق با هماهنگی دولت ایران و عراق صورت پذیرفت. امام به قصد پیدا کردن محلی برای اقامت به سوی کویت رفت اما دولت کویت اجازه ورود ایشان به خاک کشورش را نداد، سرانجام امام خمینی در ۱۴مهر ۱۳۵۷ با صلاحدید اطرافیان عازم فرانسه شد و در دهکده کوچک نوفل لوشاتق واقع در حومه پاریس اقامت کرد و از آنجا انقلاب ایران را که اکنون همه گیر شده بود را هدایت کرد.

سرانجام شاه به بهانه استراحت از کشور خارج شد. مردم یک قدم به پیروزی نزدیک تر شدند، دولت بختیار نیز مدت زیادی قادر به مقاومت در برابر خواسته‌ی مردم که بازگشت رهپ تبعیدی به وطن بود نشد و سرانجام پس از پانزده سال امام در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ به ایران بازگشت و جهان شاهد بزرگترین، مردمی ترین و پرشورترین استقبال تاریخ شد.

نخستین اقدامات امام بعد از پیروزی انقلاب، استقرار جمهوری اسلامی با رأی مردم و تدوین قانون اساسی و به رأی گزاردن آن و نیز انتخابات متعدد برای تشکیل نهادهای حکومتی بود.